

نقش خاندان قرچغای خان در پیشبرد هنرهای مکتوب قرن یازدهم شهر مشهد (بررسی موردی نسخه‌ی الحشایش «کاخ گلستان = منوچهرخان»)

ابوذر ناصحی^۱، سید محمد فدوی^۲

^۱ دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه گرافیک، دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۱۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۱۲/۱۱)



چکیده

سلسله‌ی صفویان با روی کار آمدن شاه عباس اوج اقتدار خود را تجربه کرد. تقویت و تحکیم هنر در این دوره به علت تداوم جوانب فرهنگی و عمر طولانی حکومت صفویه و همچنین حمایت فوق‌العاده از هنرمندان توسط دربار، صورت پذیرفت. شهر مشهد در دوران حکمرانی قرچغای خان و نوادگانش با پیشرفت‌های قابل تأملی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و هنری همراه بود و منوچهرخان و فرزندش قرچغای خان دوم از حامیان برجسته‌ی هنرهای مکتوب قرن یازدهم هـ.ق در شهر مشهد بودند. نسخه‌ی الحشایش منوچهرخان با ۸۳۳ صفحه نگاره‌ی رنگین از جمله نفیس‌ترین کتاب‌های مصور علمی در عهد صفوی است که بنا به سفارش و حمایت منوچهرخان، والی مشهد، در عصر روز جمعه سوم ماه مبارک رمضان سال ۱۰۳۸ هـ.ق به اتمام رسید. استنساخ کتاب برعهده‌ی محمدباقرالحافظ خوشنویس مبرز آن روزگار و به استثناء یک تصویر، صورة الکسفرة (صفحه ۱۹۵ کتاب)، که در پایین تصویر آمده است: «عمل ملک حسین اصفهانی»، دیگر تصاویر این نسخه فاقد هرگونه امضاء می‌باشند. در بخش نخست این مقاله به بررسی تاریخی دوران قرچغای خان و نوادگانش پرداخته و در بخش بعدی، حمایت‌های ایشان از هنرهای مکتوب خلق شده در شهر مشهد به ویژه نسخه‌ی الحشایش، مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی

قرچغای خان، منوچهرخان، تصویرسازی علمی، الحشایش، ملک حسین اصفهانی، محمد باقر الحافظ.

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول تحت عنوان «بررسی تصویرسازی گیاهان دارویی و جانوری عهد صفوی (بررسی موردی نسخه الحشایش کاخ گلستان = منوچهرخان)» می‌باشد که به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره آقایان دکتر عبدالمجید حسینی راد و دکتر فرید قاسم لو در دانشکده هنرهای تجسمی دانشگاه تهران به انجام رسیده است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۲۳۴۶۷۷۸، شماره: ۰۲۱-۶۶۹۶۲۵۹۳، E-mail: aboozar_nasehi@ut.ac.ir

مقدمه

عمل آوردند. قرچغای خان، غلام ارمنی و نوادگان وی از جمله حامیان برجسته‌ای بودند که از سال ۱۰۲۶ (ه. ق) تا ۱۰۷۶ (ه. ق) به طور پی در پی به عنوان حکمران شهر مشهد خدمت کردند. مجموعه کارهای نسبتاً کم ولی بسیار پراهمیتی که این خانواده انجام دادند، عموماً در فضای شهر اصفهان یعنی پایتخت مطرح بوده است. به هر حال، هم شواهد ادبی و هم شواهد هنری نشان می‌دهند که خلق این متون برجسته را می‌توان به شهر مشهد مرتبط دانست؛ یعنی زمانی که شهر مشهد به عنوان مرکز جدید قدرت، جایگزین شهر هرات مرکز عمده‌ی سیاسی و هنری در شمال شرق ایران شد؛ که تحت اقتدار طوایف شاملوی ترکمنستان بود. این پژوهش ماهیت و تأثیر حمایت‌های هنری به عمل آمده تحت پشتیبانی غلامان به خصوص قرچغای خان و نوادگان وی را در حوزه تصویرسازی کتاب و مخصوصاً کتاب الحشایش در چارچوب نظم سیاسی وسیع‌تری که شاه عباس اول و جانشینان او ایجاد کرده بودند، بررسی می‌کند. این کتاب که تألیف دیوسکوریدس احکیم صاحب نام یونانی در حوزه‌ی گیاه‌شناسی و جانورشناسی است؛ بارها در تمدن اسلامی بازنویسی شده است.

با تکیه‌ی شاه عباس بر اریکه‌ی قدرت، تحولات چشمگیری در عرصه‌ی سیاست به وقوع پیوست که بسیاری از بازیگران سنتی دربار صفویان را از میدان به در کرد. این تحولات سیاسی فرصتی شد تا طبقات دیگر اجتماعی از جمله غلامان با تکیه بر توانایی‌های خود به مناصبی پر اهمیت در دستگاه حکومتی شاه عباس اول دست یابند. به نظر می‌رسد ارتقای جایگاه سیاسی غلامان، نقش سازنده‌ای در نقش‌آفرینی هر چه بیشتر ایشان در حوزه‌ی فرهنگ و هنر داشته است.

تا اوایل قرن یازدهم هجری، غلامان که برخی‌شان مورد عنایت شاهان صفوی بوده و تحت عناوینی چون غلامان «خاصه» در دربار آموزش می‌دیدند، به عنوان نگارگر و خطاط به کتابخانه و کارگاه‌های هنری سلطنتی پیوسته بودند و برخی از آنها هم تبدیل به نگهبانان و گردآوردندگان فعال نسخ خطی برجسته و سایر اقلام تجملی شده بودند. خیلی زود آنها به عنوان محافظان هنرهای مکتوب در رقابت با قزلباش‌ها قرار گرفتند و در تدوین و صورت‌بندی یک زبان تصویری جدید مشارکت کردند؛ که در اواسط سده‌ی یازدهم به اوج خود رسید. شماری از این غلامان برجسته حمایت‌های گسترده‌ای از هنرهای مکتوب به

شاه عباس و حمایت از هنرهای مکتوب

از اهمیت کتابخانه به عنوان بخشی فرعی برای قصر سلطنتی بود. همچنین این تصمیم وی را می‌توان به عنوان بخشی از تلاش‌های نظام‌مند شاه در ترمیم نقش شهر به عنوان مرکز اداری و فرهنگی صفویه و جلوگیری از تأثیر و نفوذ قزلباش‌ها در آینده در نظر گرفت.^۲

ورود شاه عباس به اصفهان

به نظر می‌رسد که با حرکت از قزوین به اصفهان، گرایش شاه عباس اول به هنر و معماری دستخوش تغییر شکل قابل ملاحظه‌ای شده است. او به شدت شیفته‌ی پروژه‌های معماری شگفت‌آور پایتخت شد و در واکنش به تغییر چشم‌انداز هنری و فرهنگی اصفهان، گرایش او به هنرهای مکتوب گسترش یافت و شامل اشکال و شیوه‌های جدیدی از جلوه‌های تصویری شد. شاه عباس اول به جای ایجاد متون مصور به شیوه‌ی سنتی از آثار کلاسیک فارسی، تمایل بیشتری به طراحی‌ها، نقاشی‌ها و خطاطی‌های منحصر به فرد به خصوص به قاب عکس‌های مرقع‌کاری داشت. به هر حال، به نظر می‌رسد نقاشان و خوشنویسان کارگاه سلطنتی در میان خاندان صفوی، دست کم در ظاهر از موقعیت مناسبی برخوردار بوده و به عنوان اعضای دربار تلقی

وقتی عباس اول در سال ۹۹ (ه. ق) به پادشاهی رسید، حمایت از هنرهای مکتوب که مرکز آن به طور سنتی در دربار سلطنتی قرار داشت، عمدتاً تحت تسلط اعیان قزلباش بود که کتابخانه‌های خود را در تمام استان‌ها تأسیس کرده بودند (SOU - davar, 1999, 51-54). آشفتگی سیاسی حکومت‌های شاه اسماعیل دوم (۹۸۴ ه. ق) و شاه محمد خدابنده (۹۸۵ ه. ق)، فرصتی ایده‌آل برای قزلباش‌ها فراهم کرد تا نقش خود را به عنوان حامیان اصلی دست‌نوشته‌های مصور تحکیم کنند (Welch, 1976, 21-28). اگرچه برخی هنرمندان نزد شاه عباس در قزوین باقی ماندند، ولی بسیاری از آنها به سمت استان‌هایی رفتند که در میان قزلباش‌ها کسانی آماده‌ی پشتیبانی از آنها بودند. از لحاظ تاریخی، کتابخانه و کارگاه‌های هنری از منظر ایدئولوژیکی و فیزیکی به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از دربار سلطنتی به شمار می‌رفتند. این بخش‌ها هم مانند مخزنی از متون عمل می‌کردند که آرمان‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی حکمران یا حامی را تعریف می‌کردند و هم مانند کارگاهی عمل می‌کردند که این کارها در آنجا تنظیم، ثبت، اصلاح و به تصویر کشیده می‌شد و از لحاظ ادبی و باورهای بصری متوجه اهداف و ایدئولوژی حامی خود بود. سرعت شاه عباس اول در تأسیس مجدد کتابخانه‌ی سلطنتی در قزوین، نشان‌دهنده‌ی آگاهی او

سرسپردگی و بخشندگی قرچغای خان نسبت به شاه بدون پاداش نماند و به مدت کوتاهی بعد از آن، قرچغای خان مفتخر به دریافت عنوان «مقرب الحضرت» شد و جزء معاشران نزدیک شاه در آمد. وی در سال ۱۰۲۵ (ه. ق.)، لقب «خان» را هم دریافت کرد و به عنوان سپهسالار ارتش منصوب شد و در نتیجه به جمع عالی‌مرتب‌ترین مقامات اجرایی صفویه پیوست. تصویری از چهره این غلام ارمنی به صورت دو صفحه‌ای چاپ شده که او در نیمه‌ی سمت راست تصویر دیده می‌شود و به نام قرچغای «خان» مشخص شده است و نشان می‌دهد که این نقاشی بعد از سال ۱۰۲۵ تکمیل شده است (تصویر ۱). او با قامتی بلند و با سبیل چخماقی بزرگ در حالی که کت قرمز رنگی به تن دارد در سمت راست ایستاده است.^۴

قرچغای خان بعد از این که خلیل پاشای عثمانی را در سال ۱۰۲۶ هجری در «سربروم» شکست داد، به سمت حکمران تبریز و کل استان آذربایجان منصوب شد. مدت کوتاهی بعد از آن، شاه عباس اول قرچغای خان را از این سمت فراخواند و وی را به عنوان حکمران به خراسان، استان شمال شرقی ایران، فرستاد.

قرچغای خان و حکومت مشهد

تقریباً در تمام قرن دهم، استان خراسان نقشی مهم در سیاست‌های صفویه بازی کرد زیرا هم عرصه‌ی هر دو نبرد عباس میرزا (شاه عباس اول) وارث مسلم سلسله‌ی صفویه بود و هم منطقه‌ای برای رقابت و هم‌آوری میان ایرانیان و ازبک‌ها بود.

می‌شدند^۳ (Welch, 1976, 69).

برای غلامانی که به تازگی تبدیل به اعضای خاندان شده بودند، پشتیبانی هنری با توجه به علاقه‌ی شاه عباس به هنر و هنرمند نقشی مهم در تقویت جایگاه آنها بازی کرده و به مقابله با تأثیر سیاسی و فرهنگی طولانی مدت قزلباش‌ها کمک می‌کرد (Schmitz, 1981, 103-13).

در میان غلامان، قرچغای خان و نوادگان وی در نیمه‌ی اول قرن یازدهم، فعال‌ترین حامیان و گردآورندگان هنرهای تجملی قابل حمل بودند. همان‌طور که در زیر بحث می‌شود، قرچغای خان اول موفق شد مجموعه‌ای جالب توجه و عالی از ظروف چینی را گردآوری کند در حالی که پسر او، منوچهر خان و همچنین نوه‌اش قرچغای خان دوم که هم‌نام او بود، تبدیل به دو تن از حامیان پرنفوذ کتاب‌های مصور در خاندان صفویه شدند.

قرچغای خان از بردگی تا بیگلربیگی

قرچغای خان که یک مسیحی ارمنی از ایروان بود، در زمان کودکی به اسارت درآمد و به همراه سایر غلامان و شاهزاده‌ها در دربار بزرگ شد. او کار خود را در کارگاه خیاطی سلطنتی شروع کرد و خیلی زود ترفیع گرفت و در سال ۱۰۱۲ (ه. ق.) تبدیل به امیر توپخانه شد. قرچغای خان فرمانده هنگی از تفنگچیان شد و در سال ۱۰۱۵ (ه. ق.) به الله وردیخان در دفع نیروهای عثمانی در صوفیان در نزدیکی تبریز کمک کرد و بطور موقت، کنترل صفویه را بر استان آذربایجان تأمین کرد (منشی، ۱۳۵۰، ۴۰-۳۹).



تصویر ۱- صحنه‌ی بار عام شاه عباس اول، ۱۰۲۹ (ه. ق.) همراه تصویر بزرگنمایی شده از قرچغای خان، محفوظ در موزه هنر والترز، بالتیمور. مأخذ: (Canby, 2009, 132-133)

خلق نسخه‌ی الحشایش دلیلی بر سفارش نسخه‌ی صورالکواکب از سوی منوچهرخان بیگلربیگی به این دو هنرمند بوده است.

پیشینه‌ی علمی و تاریخی کتاب الحشایش (منوچهر خان) موجود در کاخ گلستان

این کتاب نسخه‌ای گرانقدر (محفوظ در کتابخانه کاخ گلستان یعنی کتابخانه سلطنتی پیشین) از تألیف پزشک و گیاه‌شناس و داروشناس یونانی نام‌آور سده اول میلادی پدانیوس دیوسکوریدس / دیوسکوریدس با عنوان لاتینی «De materia medica» می‌باشد؛ هوشنگ اعلم در مورد عنوان کتاب ماتریا مدیکا در تمدن اسلامی بر این باور است: «در آثار و منابع دوره اسلامی کتاب دیوسکوریدس را با عنوان‌های کمابیش نادرستی مانند «کتاب الحشایش»، «کتاب الادویه المفردة» و «هیولی علاج الطب» یاد کرده‌اند (اعلم، مقدمه، ۱۳۸۳، ۱).

اصل این کتاب به زبان یونانی است و مؤلف بالغ بر ششصد گونه نباتات و تعداد کثیری از پرندگان و حیوانات بری و بحری را در پنج مقاله مورد مطالعه و مذاقه قرار داده است. غلامعلی عرفانیان سرگذشت کتاب دیوسکوریدس را به اختصار چنین روایت می‌کند:

نسخ موجود به زبان یونانی:

۱. نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی پاریس، محفوظ تحت رقم ۲۱۲۹.
۲. نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی ناپل متعلق به قرن هشتم میلادی.
۳. نسخه‌ی کتابخانه‌ی مورگان در نیویورک متعلق به قرن دهم میلادی.
۴. نسخه‌ی معروف به نسخه‌ی قسطنطنینی یا قیصری محفوظ در کتابخانه‌ی وین، که قدیمی‌ترین آنها و متعلق به اوایل قرن ششم میلادی است.
- ترجمه‌ها در ممالک مختلف اسلامی:
۱. ترجمه‌ی سریانی ابوزید حنین بن اسحق العبادی در سال ۲۶۴ (ه. ق.).
۲. ترجمه‌ی عربی اصطفان بن بسیلوس در قرن سوم (ه. ق.).
۳. ترجمه‌ی عربی بهنام ابن موسی.
۴. ترجمه‌ی عربی حسین ابن ابراهیم بن حسن بن خورشید طبری ناتلی در قرن چهارم (ه. ق.).
۵. ترجمه‌ی عربی ابو سالم ملطی از علمای قرن ششم (ه. ق.).
۶. ترجمه‌ی مهران بن منصور بن مهران در قرن ششم (ه. ق.).
۷. ترجمه‌ی فارسی علی بن شریف حسینی در قرن نهم (ه. ق.).
۸. ترجمه‌ی فارسی غیاث الدین محمد رضوی در قرن یازدهم (ه. ق.) (عرفانیان، ۱۳۷۰، ۶۵۵-۶۴۵).

کتاب حاضر که ابتدا حنین بن اسحاق آن را برای رئیس الاطباء بختیشوع بن جبرئیل^۶ از زبان یونانی به سریانی^۷ برگردانده است، توسط مهران بن منصور بن مهران در حوالی سال ۵۵۰ (ه. ق.) به دستور پادشاه نجم‌الدین (الپ اینانج قبلغ بک ابوالمظفر الپی بن تمر تاش بن ایل غازی بن ارتق شهاب)^۸

بعد از سرکوب و مطیع کردن ازبک‌ها در سال ۱۰۰۷ (ه. ق.)، شاه عباس اول تلاش‌های هدفمندی را شروع کرد تا شهر مشهد، آرامگاه امام هشتم شیعیان را تبدیل به نماد مذهبی سلسله‌ی صفویه و جایگزینی برای زیارتگاه‌های شیعیان در عراق برای انجام سفرهای زیارتی نماید (Melville, 1996, 215). شهر مشهد به دور از اهمیت مذهبی و استراتژیک آن، در نیمه اول قرن یازدهم به همراه استان کرمان به عنوان مرکز تولید کاشی و سفال ایرانی احیا شد. انتصاب قرچغای خان همانند حکمرانی الله‌وردیخان در فارس یا گنجعلی‌خان در کرمان حاکی از تلاش‌های شاه عباس اول در دور کردن موازنه‌ی قدرت از امرای قزلباش و ایجاد یک سیستم سیاسی جدید برای صفویه به کمک غلامان بود.

قرچغای خان تا زمان مرگش در سال ۱۰۳۲ (ه. ق.) هم به عنوان سپهسالار ارتش و هم به عنوان حکمران خدمت کرد؛ یعنی دو پست بسیار مهم در دولت صفویه. وقتی او و یکی از پسرانش به نام «امام وردیخان» در جریان لشکرکشی به گرجستان کشته شدند، اجساد آنها به مشهد آورده و همانند الله‌وردیخان در مجموعه‌ی حرم دفن شد. شاه عباس اول به نشانه‌ی احترام به غلام وفادار خود، پسر دیگر او «ابوالفتح منوچهرخان» را که در آن زمان فرمانده توپخانه بود، به سمت حکمران (حاکم یا بیگلربیگی) مشهد منصوب کرد (Babaie, 2004, 114-147).

منوچهر خان و حمایت از نسخه‌ی الحشایش

مشخص نیست که آیا منوچهر خان هم مانند پدر خود به ظروف چینی علاقه داشته یا خیر، ولی او و برادر کوچک‌ترش، علی قلی خان مشخصاً جزء برگزیدگان فرهنگی و فکری صفویه بودند. از هر دو نفر با عناوینی نظیر «اهل فضل و کمال» و «صاحب مآثر و آثار» یاد می‌شود^۹. در بخشی از ترقیمه‌ی نسخه‌ی الحشایش نیز محمدباقر، توصیفاتی چون «مرتب ارباب الاستعداد» و «معین العلماء الاعلام» به کار می‌برد که البته خالی از غلو کاتب در ستایش ولی نعمتش (منوچهر خان) نیست.

به نظر می‌رسد جایگاه علمی و سیاسی منوچهرخان در حمایت او از بازتولید دست کم دو نسخه‌ی تصویرسازی علمی بی‌تأثیر نبوده است؛ نخست ترجمه‌ی کتاب الحشایش "دیوسکوریدس" گیاه‌شناس و جانورشناس بزرگ یونانی که در سال ۱۰۳۸ (ه. ق.) به اتمام رسید و ترجمه‌ی دیگر که در سال ۱۰۴۱ (ه. ق.) تکمیل شده و در باب ستارگان و جایگاهشان در آسمان بحث می‌کند و با نام صورالکواکب "عبد الرحمان صوفی رازی" شهرت یافته است. نکته‌ی حائز اهمیت همکاری مشترک دو هنرمند در استنساخ هر دو نسخه‌ی مورد اشاره است؛ یکی محمدباقر الحافظ در حوزه‌ی خوشنویسی و دیگری ملک حسین اصفهانی در زمینه‌ی تصویرسازی که با حمایت‌های هوشمندانه‌ی منوچهرخان شاهکارهای بی‌بدیلی از تصویرسازی علمی عهد صفویه به یادگار گذاشته‌اند. گمان می‌رود موفقیت چشم‌گیر محمدباقر و ملک حسین در

این، صحافان، برخی نقاط پاره شده‌ی کتاب را با وصله‌های ضخیم و سریش غلیظ همانند پوست غیر دباغی‌شده‌ی حیوانات ترمیم کرده بودند و با میخ‌های متعدد بر چیزی همانند تار عنکبوت میخ‌کاری شده بود و چون کسی می‌خواست آن را بردارد آن تارها از هم جدا می‌شد و اگر انسان با انصافی به این کتاب نظر کند در می‌یابد که جاهای خالی در میان صفحات کتاب از کم‌کاری کاتب نیست بلکه به خاطر ناسالم بودن نسخه‌ی اصلی بوده و من کوشش خود را برای پیراستن آن و نوشتن کلمات ضایع‌شده و بازنویسی کلمات محوشده و خطوط تباه‌شده به کار گرفتم و به قرینه و سیاق عبارت، برخی از آنها را نوشتم و در سایر موارد جای کلمات را برای پیش‌گیری از اشتباه خالی گذاشتم تا صاحب یا خواننده‌ی کتاب از طریق مقابله با نسخه‌ی کامل، آن را تکمیل نماید و مرا مورد سرزنش قرار ندهد» (اصفهانی، مقدمه، ۱۳۸۳، ۳۶۱) (تصویر ۶).

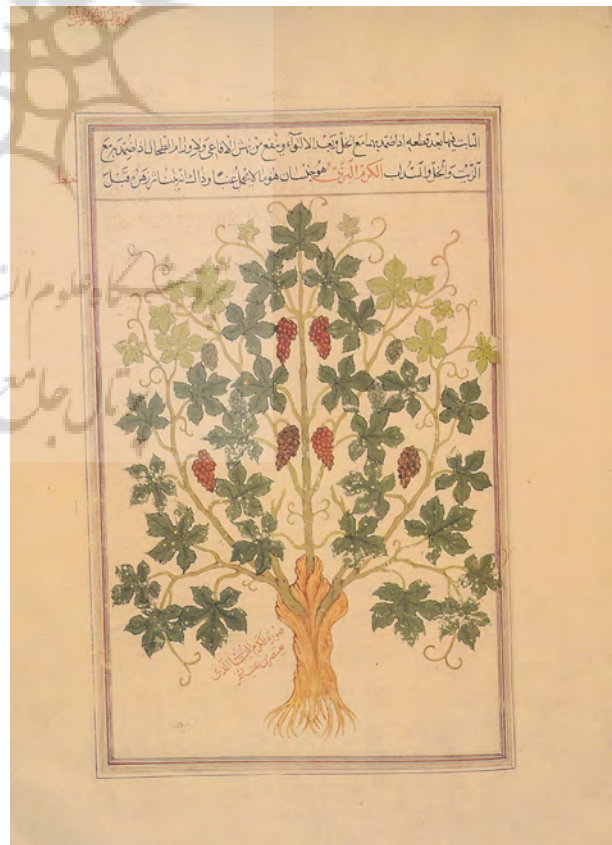
تسلط نسبی آشکار محمد باقر بر زبان عربی در کار بازنویسی یا تصحیح البته بسیار مؤثر بوده است. به همین قیاس می‌توان دشواری کار نگارگر این نسخه را از روی نسخه‌ای چنان آسیب‌دیده و معیوب حدس زد. نسخه‌ی حاضر، آراسته به تقریباً ۸۳۳ نگاره است و نگارگر آن ملک حسین اصفهانی است چنان که در پایین یکی از تصاویر به وضوح نوشته شده است (تصویر ۷).

که در دیاربکر و سرزمین‌های مجاور آن حکوت می‌کرد به زبان علمی آن روزگاران ممالک اسلامی یعنی زبان عربی ترجمه گردیده است (دبیر سیاقی، ۱۳۷۰، ۱۴۶۷-۱۴۶۲) و محمدباقر حافظ، به دستور منوچهرخان بیگلربیگی، طی ۶ ماه از روی یک نسخه‌ی قدیمی بازنویسی و تصاویر آن به وسیله ملک حسین بازنگاری گردیده و سرانجام این کار بزرگ در عصر روز جمعه سوم ماه مبارک رمضان سال ۱۰۳۸ (ه. ق.) به پایان رسیده است. این نسخه‌ی نفیس و بی‌نظیر که به خط نسخ زیبا روی کاغذ سمرقندی حاوی ۸۷۳ نگاره رنگ‌آمیزی شده با آب و رنگ و دارای جداول و پنج سرلوح است در قطع رحلی تهیته شده و دارای جلد مقوایی ساغری سیاه ترنج و حاشیه‌ی دور مذهب به شماره اموالی ۲۲۵۱ در کاخ گلستان نگهداری می‌شود (تصویر ۱۲-۲).

از ترجمه‌ی مهران تاکنون در کتابخانه‌های ایران یک نسخه‌ی کامل از حیث متن (نسخه‌ی منوچهرخان) و نسخه‌ی نسبتاً ناقصی (نسخه‌ی آستان قدس رضوی، ش ۵۰۷۹) شناخته شده است. «این کتاب را من از روی یک نسخه‌ی قدیمی که نشانه‌های آن تباه و خطوط آن محو شده بود استنساخ کرده‌ام، محل نوشته‌ها در کتاب مذکور پاره شده بود و به واسطه‌ی کثرت تماس دست با آن سیاهی خطوط آن زدوده شده بود و با وجود



تصویر ۳- الحشایش منوچهرخان، ۱۰۳۸ (ه. ق.)، «طریقه‌ی گرفتن شیره‌ی درخت بلسان»، برگ ۳۳، محفوظ در موزه‌ی کاخ گلستان.
ماخذ: (متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسکوریدس «کاخ گلستان»)



تصویر ۲- الحشایش منوچهرخان، ۱۰۳۸ (ه. ق.)، «درخت انگور باغی»، برگ ۳۵۷، محفوظ در موزه‌ی کاخ گلستان.
ماخذ: (متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسکوریدس «کاخ گلستان»)



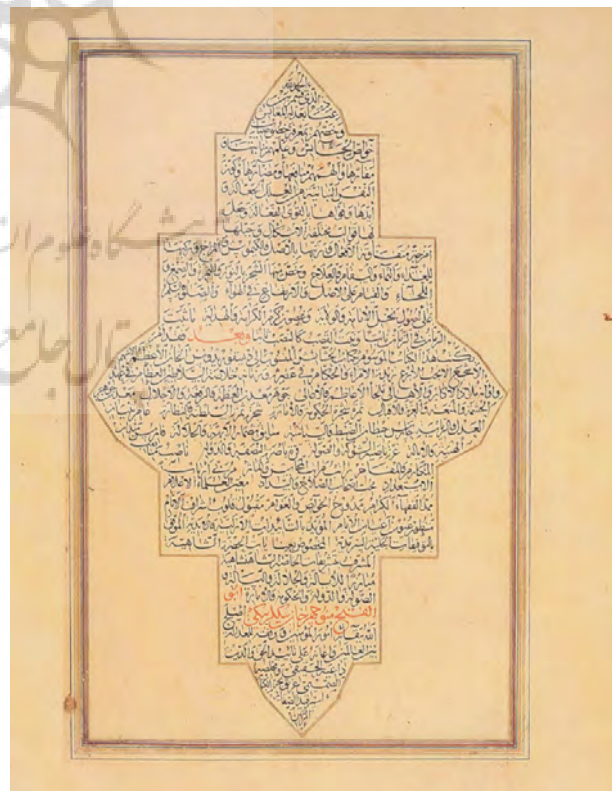
تصویر ۴- الحشایش منوچهر خان، ۱۰۲۸ هجری، «بز کوهی»، برگ ۱۰۰، محفوظ در موزه کاخ گلستان. (متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسکوریدس «کاخ گلستان»)



تصویر ۵- الحشایش منوچهر خان، ۱۰۳۸ هجری، «انواع مار»، برگ ۹۵، محفوظ در موزه کاخ گلستان. (متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسکوریدس «کاخ گلستان»)



تصویر ۶- الحشایش منوچهر خان، ۱۰۳۸ هجری، «تقریمه کتاب»، برگ آخر، محفوظ در موزه کاخ گلستان. (متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسکوریدس «کاخ گلستان»)



تصویر ۷- الحشایش منوچهر خان، ۱۰۳۸ هجری، «گشنیز»، با رقم: ملک حسین اصفهانی، برگ ۱۹۵، محفوظ در موزه کاخ گلستان. (متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسکوریدس «کاخ گلستان»)



تصویر ۹- الحشایش منوچهر خان، ۱۰۳۸ (ه. ق.)، «فیل و پرستو»، برگ ۱۰۴، محفوظ در موزه کاخ گلستان.
ماخذ: (متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسکوریدس «کاخ گلستان»)



تصویر ۸- الحشایش منوچهر خان، ۱۰۳۸ (ه. ق.)، «نوع پنجم خشخاش»، برگ ۲۷۱، محفوظ در موزه کاخ گلستان.
ماخذ: (متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسکوریدس «کاخ گلستان»)



تصویر ۱۱- الحشایش منوچهر خان، ۱۰۳۸ (ه. ق.)، «درخت بادرنگ»، برگ ۸۳، محفوظ در موزه کاخ گلستان.
ماخذ: (متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسکوریدس «کاخ گلستان»)



تصویر ۱۰- الحشایش منوچهر خان، ۱۰۳۸ (ه. ق.)، «طریقه علاج مارگزیدگی»، برگ ۱۰۳، محفوظ در موزه کاخ گلستان.
ماخذ: (متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسکوریدس «کاخ گلستان»)

مفاهیم به مخاطب مدنظر قرار می‌گیرد؛ که در تحلیل و بررسی برخی از تصاویر الحشایش انتقاداتی از این منظر به آن وارد بوده و نتوانسته توقع مخاطبان اهل علم را مرتفع سازد. هوشنگ اعلم با توجه به اشراف به متن نسخه چنین اظهار نظر می‌کند که هنرمند از سویی به تصویر چیزهایی پرداخته که نیازی به آن نبوده است مثلاً در تصویر فیل و پرستو، در حالی که منظور مؤلف اصلی نه خود فیل، بلکه فلان خاصیت خاکه عاج فیل و منظور از پرستو، خواص موهوم سنگریزه‌های موجود در شکم پرستوها بوده است (تصویر ۹)؛ از سوی دیگر در مورد بیشتر گیاهان، برای آسان‌سازی کار خود شیوهی تقارن را به کار گرفته، چنان‌که بیننده را به یاد طرح‌های متقارن گل و بوته‌های مطرز یا قراردادی‌شده‌ی رایج در فرش‌های ایرانی می‌اندازد (یعنی چهار بار تکرار یک طرح واحد بر مبنای دو محور عمودی و افقی). حتی گاهی فلان گیاه که قاعدتاً شناخته شده بوده، نگارگر بعضی واقعات مربوط به گل یا میوه آن را رعایت نکرده است. مثلاً در مورد ترنج/بادرنگ (تصویر ۱۱) و امرو/گللابی (تصویر ۱۲) که می‌دانیم به دلیل سنگینی میوه نسبت به نازکی شاخه‌های درختچه یا درخت آنها همیشه نگون‌سازند، تصویرگر آنها را به سوی بالا تصویر کرده است. در مورد تصاویر انسانی به تصویر جالبی برمی‌خوریم (تصویر ۱۰) که در متن دیوسکوریدس چنین روایت می‌شود (ترجمه عربی مهران): «اگر ماکیان را بدریم و تا هنوز گرم است، [خونش را به جای مارگزیدگی] بمالیم، این به [درمان] گزش مار کمک می‌کند، اما ماکیان‌ها را باید غالباً عوض کرد» [یعنی باید چندین مرغ را پیاپی کشت و خون گرمشان را به کار برد!].

نگارگر این خاصیت خون گرم ماکیان را چنین تصویر کرده است: جوانی مارگزیده بر زمین افتاده و ماری همچنان به گزیدن ساق پای او مشغول است! و پیرمردی که به فرض کتاب دیوسکوریدس را خوانده و توصیه‌ی او را برای خارج کردن زهر مار از حوالی گزشگاه (پیش از سرایت زهر به سراسر تن) می‌دانسته است، در حال سر بردن ماکیان است. از نکاتی که درباره‌ی این تصویر ناواقف‌بینانه می‌توان گفت یکی این است که مار پس از گزیدن، از بیم جان خود فوراً می‌گریزد و نه این‌که زالووار به پای شخص مجروح بچسبد! دیگر این‌که، به فرض موهوم سماجت مار در ادامه‌ی گزش، حکیم پیر می‌بایست نخست مار را بزند و براند و سپس به سر بردن ماکیان بپردازد (اعلم، مقدمه، ۱۳۸۳، ۱۹). کتاب مصور الحشایش دوره‌ی منوچهرخان که آخرین و مجلل‌ترین نسخه‌ی عربی (که در زمان انجام این پژوهش، شناخته و یافته شده است)، از کتاب دیوسکوریدس در تمدن اسلامی است، خدمات ارزشمندی به اهل علم و هنر ارائه کرده و منوچهرخان را به عنوان یکی از حامیان پیشروی هنرهای مکتوب معرفی می‌کند.

منوچهر خان و حمایت از تصویر سازی علمی

منوچهرخان علاوه بر حمایت از کتاب الحشایش با نگارش



تصویر ۱۲- الحشایش منوچهرخان، ۱۰۲۸ (ه. ق.)، «درخت گللابی»، برگ ۸۲، محفوظ در موزه‌ی کاخ گلستان.

ماخذ: (متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسکوریدس «کاخ گلستان»)

ملک حسین و تصویر سازی کتاب الحشایش

ملک حسین که از نگارگران مبرز آن روزگار بوده است به همراه محمد باقر، تجربه‌ی دیگری را با موفقیت به پایان می‌رساند و این پاسخی مناسب به حسن اعتماد بیگنر بیگی است. خلق آثار بی‌بدیلی چون نسخه‌ی الحشایش و صورالکواکب این نکته را ثابت می‌کند که هماهنگی و همراهی مناسب حامی اثر هنری و هنرمند، نویدبخش خلق آثاری گرانبه‌تر در عرصه هنر است. آنچه در این کتاب چشم‌نواز است، نوع قلم‌گیری و رنگ‌پردازی بی‌نظیر آن است چنان‌که با نسخه‌های قبلی کتاب دیوسکوریدس تفاوت‌های آشکار دارد و بر خوردی هنرمندانه و ظریف را با موضوعات و متون علمی به نمایش می‌گذارد. ملک حسین (و احتمالاً شاگردان) آن چنان در تصویرسازی مهارت دارد که خیال مخاطب را به عالمی مثالی و رؤیایی از گیاهان دارویی می‌برد؛ مکانی که چندان با عالم واقع تناسبی ندارد. وام‌گیری ملک حسین از اساتید مکتب هرات و تجربه‌های شخصی او در تذهیب و تصویرسازی، از او هنرمندی منحصر به فرد می‌سازد، آن چنان که تمایز او با تصویرگران هم‌عصرش در مکتب اصفهان تا حدودی آشکار است.

این نکته حائز اهمیت است که در تحلیل تصویرسازی متون علمی، میزان ارادت هنرمند به متن علمی و انتقال ساده‌تر

(هق) این کار نخستین ترجمه‌ی فارسی از کتاب صوفی رازی است و نقاشی‌های ارائه شده در آن نشان‌دهنده‌ی سبکی جدید در نقاشی می‌باشد (D.Pingree, 1985, 860).

اشکال ترسیم‌شده توسط مالک حسین در صورالکواکب با دقت زیاد ارائه شده و نقش برجسته‌های آن به خوبی به کمک سایه‌روشن‌های رنگی ترسیم شده به گونه‌ای که حس برجسته بودن ایجاد می‌کند (Wellesz, 1959, 1-59).

در میان تصاویر ترسیم‌شده برای صوفی رازی، تصویر صورت فلکی کماندار (Sagittarius)، از توجه خاصی برخوردار است (تصویر ۱۳). تصویر ریش‌دار این صورت فلکی، دستاری شبیه قرچغای خان را در صحنه‌ی بار عام شاه عباس بر سر دارد (تصویر ۱). باربارا اشمیتز بر اساس ویژگی‌های دقیق فردی و سرپوش متمایزی که این تصویر بر سر دارد، این مسأله را مطرح می‌کند که تصویر صورت فلکی کماندار، منوچهرخان حامی کتاب را نمایش می‌دهد (Babaie, 2004, 114-147).

وقتی منوچهرخان در سال ۱۰۴۵ (ه.ق) در جنگ با ازبک‌ها درگذشت، پسر او قرچغای خان که به نام پدر بزرگ برجسته‌ی خود نامگذاری شده بود (و از این به بعد به او قرچغای خان دوم می‌گویند)، به جای وی حکمران شد. اطلاعات نسبتاً کمی درباره‌ی فعالیت‌های سیاسی قرچغای خان دوم در دسترس است

یکی از عالی‌ترین کتاب‌های مصور علمی در دوره‌ی صفویه، یعنی ترجمه‌ی فارسی «صورالکواکب» عبدالرحمان صوفی رازی، حس کنجکاو فکری و عقلانی خود را ابراز داشت (Schmitz, 1992, 18) (تصویر ۱۴). این کتاب با مقدمه‌ی طولانی نویسنده‌ی آن، حسن ابن سعد الغینی، شروع می‌شود که یک ریاضی‌دان - ستاره‌شناس بود. او عنوان می‌کند که منوچهرخان اشتیاق بسیار زیادی به ستاره‌شناسی داشت و «الصوفی» عربی را به زبان فارسی ترجمه کرد. این کتاب توسط محمدباقر الحافظ نسخه‌برداری شد که نام وی به همراه تاریخ سال‌های ۱۰۴۱ تا ۱۰۴۲ (ه.ق) در صفحه‌ی آخر کتاب مشاهده می‌شود.

به گفته‌ی الغینی وقتی کتاب کامل شد، هر ستاره یا صورت فلکی توسط یکی از نقاشان منوچهرخان به نام استاد ملک حسین به تصویر کشیده شد. نویسنده با اشاره به او تحت عنوان «نادر العصر»، اظهار می‌دارد که او شهرت خاصی به خاطر تصاویر و نقاشی‌هایش داشته و در زمینه‌ی ستاره‌شناسی بسیار زیرک و مطلع بوده است. نقاشی‌های او نمایشی دقیق از ستارگانی بود که در سال ۱۰۴۰ (ه.ق) در آسمان‌ها دیده می‌شد (Babaie, 2004, 114-147). «ترجمه‌ی کتاب ستارگان» منوچهرخان به دلایل فراوانی حائز اهمیت است. از زمان نصیرالدین طوسی در سال ۶۴۷



تصویر ۱۴- شاهنامه قرچغای خان، ۱۰۵۸ (ه.ق)، «سلیمان و بلقیس بر مسند نشانده»، با رقم: ملک حسین اصفهانی آبرنگ مات و طلا روی کاغذ، محفوظ در کتابخانه‌ی رویال، کاخ وینزور، بریتانیا. مأخذ: (Babaie, 2004, 132)



تصویر ۱۳- صورالکواکب، ۱۰۴۲ (ه.ق)، «برج کماندار»، جوهر و طلا روی کاغذ، محفوظ در کتابخانه‌ی عمومی نیویورک، مجموعه اسپنسر. مأخذ: (Babaie, 2004, 147)

صویرالکواکب منوچهرخان بر روی نقاشی بسیار عالی دو صفحه‌ای در دیپاجه‌ی شاهنامه قرچغای خان دوم به چشم می‌خورد که تصاویر سلیمان و ملکه‌ی صبا در آن به تصویر کشیده شده است (تصویر ۱۴-۱۵). نقاشی بعدی (صفحه ۳۲۰) توسط محمد یوسف امضاء شده است که از پرکارترین هنرمندان این پروژه نیز می‌باشد (تصویر ۱۶) (Babaie, 2004, 132).

علاوه بر هنرمندان ذکر شده؛ فرزند ملک حسین اصفهانی، محمدعلی، و نیز یک نقاش دیگر این دوره، یعنی محمدقاسم نیز روی شاهنامه قرچغای خان دوم مشغول کار بودند که در سال ۱۰۵۸ (ه. ق) به اتمام می‌رسد (آژند، ۱۳۸۵، ۷۶).

پتروسیان بر این باور است که اعتماد قرچغای خان دوم به برخی از این نقاش‌ها و خوشنویس‌ها که توسط پدرش استخدام شده بودند، دلالت بر این مسأله دارد که یا او کارکنان کتابخانه‌ی منوچهرخان را هم به میراث برده بود و یا مجدداً آنها را گرد هم آورده بود تا شاهنامه‌ی بزرگ و تاریخی او را تکمیل نمایند^۱ (Petrosyan, 1995, 51). به نظر می‌رسد شیوه‌های مختلف تصویرسازی را که هم‌زمان در ایران قرن یازدهم شکوفا شد، نمی‌توان به سادگی بر اساس یک سبک درباری مرکزی و گونه‌های ایالتی یا حکومتی مربوط

ولی به نظر می‌رسد که او نیز همچون پدر خود از هنرهای مکتوب به خصوص از متون ادبی فارسی پشتیبانی می‌کرده است. در فاصله‌ی سال‌های ۱۰۵۴-۱۰۵۳ (ه. ق)، شاه عباس دوم موقتاً قرچغای خان دوم را به دلیل گزارش‌هایی که از رفتار متکبرانه‌ی او دریافت کرده بود، از حکمرانی مشهد عزل کرد و به جای وی حاکم مرو یعنی مرتضی قلی خان را که یک قزلباش ترکمن بود، منصوب کرد. وقتی مرتضی قلی خان در فاصله‌ی سال‌های ۱۰۵۶-۱۰۵۵ (ه. ق) به سمت سپهسالار ارتش (موسوم به قورچی‌باشی) منصوب شد، قرچغای خان دوم هم به سمت قبلی خود بازگشت و تا سال ۱۰۷۳ (ه. ق) به عنوان حکمران مشهد خدمت کرد (شاملو، ۱۳۷۱، ۲۹۶-۲۸۳). زمان کوتاهی بعد از تثبیت مجدد در مقام خود بود که طرح هنری بلندپروازانه‌ی خود را آغاز کرد؛ یعنی نسخه‌برداری تاریخی و شگفت‌انگیز از شاهنامه (تصویر ۱۵ و ۱۶) که اکنون در مجموعه‌ی کتابخانه سلطنتی کاخ وینزر در انگلستان نگهداری می‌شود (Robinson, 1958, 133-38).

فقط دو نقاشی از مجموع ۱۴۸ نقاشی به امضا رسیده است و نام مالک حسین، هنرمند نقاش نسخه‌ی الحشایش و



تصویر ۱۶- شاهنامه‌ی قرچغای خان، ۱۰۵۸ (ه. ق)، «زال در کاخ سودابه»، با رقم: محمد یوسف، آبرنگ مات و طلا روی کاغذ، محفوظ در کتابخانه‌ی رویال، کاخ وینزور، بریتانیا.

مأخذ: (Babaie, 2004, 132)



تصویر ۱۵- شاهنامه‌ی قرچغای خان، ۱۰۵۸ (ه. ق)، «سلیمان و بلقیس بر مسند نشانده»، لت سمت راست، با رقم: ملک حسین اصفهانی، آبرنگ مات و طلا روی کاغذ، محفوظ در کتابخانه رویال، کاخ وینزور، بریتانیا.

مأخذ: (مهدی حسینی، ۱۳۹۰، ۱۶)

است یا این که قرچغای خان و نوادگان وی مجبور بوده‌اند تا در راستای حمایت از هنرهای مکتوب به استعداد‌های سنتی و محلی تکیه کنند. به هر حال آنها با خلق کتاب‌های مصور از آثار کلاسیک ایرانی یا با جمع‌آوری ظروف چینی به خوبی نشان دادند که از قواعد طولانی‌مدت فرهنگ فارسی مربوط به نخبگان حاکم آگاهی داشته‌اند. آنها به عنوان خادمان سلطنتی شاه و به عنوان بخشی از خانواده‌ی سلطنتی، یک شیوه‌ی تصویری موازی را با اهتمام بسیار به پیش بردند؛ به این صورت که به تلاش‌های دربار در تنظیم و تدوین یک زبان هنری جدید، پیوستند که بازتاب‌کننده‌ی ماهیت پیشرفته جامعه‌ی صفوی بود.

منوچهر خان و پسرش قرچغای خان دوم به عنوان نسل‌های دوم و سوم بردگان تبدیل شده، تمام توجه خود را به هنرهای مکتوب معطوف داشتند تا هویت ایرانی خود را تقویت کنند.

به آن توضیح داد. چنان که کتاب‌های مصور منوچهر خان و قرچغای خان دوم از نظر مقیاس و عالی بودن تصاویر، دست کمی از کتاب‌های مصور مورد حمایت درباریان در اصفهان ندارد. حاکمان مشهد به جای پشتیبانی از نقاشانی نظیر شفیع عباسی یا شیخ عباسی که کارهای تک‌صفحه‌ای آنها در دربار مورد علاقه‌ی افراد خاصی قرار داشت، بر تصویرسازی کتاب‌های تاریخی، علمی و ادبی تأکید کرده و در این مسیر مکرراً به گروهی کوچک از هنرمندان که سبکی متفاوت از تصویرگری را ارائه می‌کردند، سفارش می‌دادند. برخلاف قزلباش‌ها در اواخر قرن دهم ه.ق، خاندان قرچغای خان نه از سبک دربار تقلید می‌کردند و نه برای به کارگیری هنرمندان درباری با دیگران رقابت می‌کردند. می‌توان این گونه استدلال کرد که منابع تصویری اروپایی یا هندی موجود در اصفهان به راحتی در مشهد در دسترس نبوده

نتیجه

شاهکارهای بی نظیری از هنر عهد صفوی فراهم آمد.
۲- از آنجایی که تصویرساز نسخه‌ی کاخ گلستان خود عشاب (گردآورنده‌ی گیاه) نبوده، در تصویرسازی برخی از گیاهان به تصورات ذهنی و واقعیت خود تکیه کرده و از واقعیت جهان پرهیز کرده است. براین قرار وجود تقارن در کار ملک حسین (تصویرساز تمامی یا برخی از تصاویر نسخه‌ی کاخ گلستان) که علاوه بر نگارگری در کار تذهیب نیز دستی داشته، قابل تأمل است.
۳- به نظر می‌رسد دوران حکمرانی منوچهر خان (بر شهر مشهد) با پیشبرد تصویرسازی نسخ علمی همراه بوده است.

۱- شهر مشهد در دوران حکمرانی قرچغای خان و نوادگانش به شکل یک مرکز مهم مذهبی و تجاری آنچنان شکوفا شد که تبدیل به مکانی مهم برای خلق کتاب‌ها و دست‌نوشته‌ها به شیوه‌ای خاص و متمایز گردید. هنرهای مکتوب در مشهد به جای اینکه با دربار رقابت کنند، به صورت یک سنت هنری موازی توسعه پیدا کردند و بعدها باعث گسترش زبان تصویری صفویه شدند. با حضور هنرمندان توانمند و مبتکری چون محمد باقر، ملک حسین و شاگردان در کارگاه شهر مشهد در کنار حسن اعتماد و اهتمام حامیان شایسته‌ای چون خاندان قرچغای خان

سپاسگزاری

با تشکر فراوان از زحمات استاد فقید دکتر عبدالمجید حسینی راد (دانشیار دانشگاه تهران)، به جهت کمک در سامان‌دهی مقاله و همچنین از پروفسور مارکوس ریتر Markus Ritter (مدیر گروه تاریخ هنر اسلامی دانشگاه وین)، به جهت کمک در فراهم کردن برخی از منابع این مقاله.

پی‌نوشت‌ها

ریاست کتابداران عزل شد، اجازه داده شد تا عنوان و حقوق وی محفوظ بماند. در سال ۱۰۱۲ ه.ق شاه به رضای نقاش، لقب «عباسی» (منسوب به عباس) را اعطا کرد که بعد از خروج موقت از دربار در فاصله‌ی کوتاهی بعد از آن، همچنان آن لقب را حفظ کرد. به علی‌رضای خوشنویس نیز همین لقب اعطا شد به گونه‌ای که شیخ عباسی که در طول دوران حکومت شاه عباس دوم (۷۷-۱۰۵۲ ه.ق) مشغول به کار بود، آثار هنری خود را با یک عبارت غیرعادی امضا می‌کرد و می‌نوشت «بها گرفت چو گردید شیخ عباسی» که بر رابطه‌ی میان هنرمند و حامی خود تأکید داشت (Skelton, 1985, 86-88).

1 Pedanius Dioscorides/ Dioskurides (Πεδάνιος Διοσκοουρίδης; circa 40_90 AD).

۲ با وجود تمایل خالص و اصیل قزلباش‌ها به هنرهای مکتوب، حمایت آنها از این هنرها یک هدف مهم سیاسی را هم تأمین می‌کرد. حمایت از متونی که با گشاده‌دستی تذهیب و مزین شده بودند و همچنین تقلید عمدی از سبک دربار‌های صفویه به قزلباش‌ها کمک کرد تا وضعیت فرهنگی خود را تقویت کرده و خود را به عنوان رقبای توانمند خاندان صفوی نشان بدهند (Uluc, 2000, 75-78) (75-78, 2000).

۳ وقتی صادق‌بیگ در فاصله‌ی سال‌های ۱۰۰۵ تا ۱۰۰۶ ه.ق از

and Massumeh Farhad (2004), *Slaves of the Shah*, I.B.Tauris, London.

Lentz, Thomas W. and Glenn D. Lowry (1989), *Timur and the Princely Vision: Persian Art and Culture in the 15th Century*, County Museum of Art, Los Angeles.

Melville, Charles (1996), *Shah Abbās and the Pilgrimage to Mashhad in Safavid Persia; The History and Politics of an Islamic Society*, Pembroke Persian Papers, University of Cambridge, London.

Petrosyan, Yuri, A. et al (1995), *Pages of Perfection: Islamic Paintings and Calligraphy from the Russian Academy of Sciences*, St Petersburg, ARCH Foundation, Lugano.

Pingree, D. (1985), History of Astronomy in Iran, in *Encyclopaedia Iranica*, Ehsan Yarshater (ed.), Routledge and Kegan Paul, London/Boston.

Robinson, B.W. (1958), *A Descriptive Catalogue of the Persian Paintings in the Bodleian Library*, Clarendon Press, Oxford.

Schmitz, Barbara with contributions by Latif Khayat, Svat Soucek, and Massoud Pourfarrok (1992), *Islamic Manuscripts in the New Public Library*, Oxford University Press and the New York Public Library, New York and Oxford.

Schmitz, Barbara (1984), *On a Special hat Introduced during the Reign of Shah Abbas the Great*, Iran 22.

Skelton, Robert (1985), Abbāsī, Shaykh, in *Encyclopaedia Iranica*, Ehsan Yarshater (ed, Routledge and Kegan Paul), London/ Boston.

Soudavar, Abolala (1999), *Between the Safavids and Mughals: Art and Artists in Transition*, Iran 37.

Uluc, Lale (2000), *Selling to the COURT: Late-Sixteenth-Century Manuscript Production in Shiraz*, Muqarnas 17.

Welch, Anthony (1976), *Artist for the Shah: Late Sixteenth Century Painting at the Imperial Court of Iran*, Yale University Press, New Haven and London.

Wellesz, Emmy (1959), *An Early Al-Sūfī Manuscript in the Bodleian Library in Oxford: A Study in Islamic Constellation Images*, *Ars Orientalis* 3.

فهرست منابع تصویری

اعلم، هوشنگ (۱۳۸۳)، الحشایش «نسخه‌ی کاخ گلستان»، انتشارات تصویر
نسخ خطی موزه ملی تاریخ علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
حسینی، مهدی (۱۳۹۰)، شاهنامه‌ی قرچغای خان (شاهنامه‌ی وینزر)،
نشریه‌ی هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، شماره‌ی ۴۵، صص ۲۱-۱۳.

Babaie, Sussan, Kathryn Babayan, Ina Baghdiantz-McCabe and Massumeh Farhad (2004), *Slaves of the Shah*, I.B.Tauris, London.

Canby, Sheila (2009), *Shah abbas: the Remaking of Iran*, the British Museum Press, London.

۴ دو نفر دیگر یکی آلپان بیگ، آجودان مخصوص شاه عباس اول در سال‌های ۱۵-۱۰۱۴ (ه. ق.)، معرفی شده است و دیگری الله وردیخان، ایشیک آقاسی باشی، می‌باشد که در این ترکیب جای دارند. هر کدام از آنها دستار سفیدرنگ زیبایی بر سر دارند که تعداد کمی از صاحب‌منصبان از آن استفاده می‌کردند. این پوشش سر که در زمان حکمت شاه عباس اول مرسوم شد، به یادآورنده‌ی شکلی متمایز از تاج حیدری است یعنی دستاری که به شاه اسماعیل، مؤسس این سلسله، منسوب می‌باشد. در حالی که دستار جدید نشانه‌ای از رتبه‌بندی و موقعیت ویژه‌ی افراد برگزیده بوده است، احتمالاً نمادی از التزام شاه به مذهب شیعه بوده است (Schmitz, 1984, 103-13).

۵ علی‌قلی خان برادر منوچهرخان به همراه تعدادی از محققان و پژوهشگران در قم تحصیل کرد و چندین اثر نظری و ادبی مهم نوشت. او همچنین به عنوان متولی شهر قم خدمت کرد که دست‌آوردی قابل توجه برای پسر یک غلام است. در سال ۱۰۵۱ (ه. ق.) او به سمت رییس کتابخانه‌ی سلطنتی منصوب شد و بعدها موقعیت او در میان طبقه‌ی ادبی و مذهبی صفویه تثبیت شد (مدرسی طباطبائی، ۱۳۵۵، ۴۱-۲۳۶).

۶ بختیشوع بن جبرئیل یا بختیشوع سوم، پزشک معتبر خلیفه‌ی عباسی و رئیس بیمارستان جندی شاپور، متوفی به سال ۲۵۰، یکی از پزشکان نامدار آل بختیشوع می‌باشد. اطلاعات جامعی در مورد او علاوه بر کتب عیون الانباء فی طبقات الاطباء (ابن ابی اصیبه) و مطرح الانظار (فیلسوف الدوله)، در کتاب پزشکی ایران جلد ۲ (مرحوم دکتر محمود نجم آبادی) می‌توان یافت.
۷ زبان سریانی از مشتقات زبان آرامی است و ساکنان شرق دریای مدیترانه (مردم سوریه، لبنان و فلسطین) به این زبان تکلم می‌کنند.

۸ نجم الدین مربوط به ردیف سوم سلسله‌ای از امرای ترک معروف به ارتوکیان است که از پایان قرن پنجم (ه. ق.) تا آغاز قرن نهم (ه. ق.) بر تمامی یا قسمتی از دیار بکر مستقلاً یا تحت حمایت مغولان فرمانروایی می‌کردند (رجوع شود به کتاب *Syrie du Nord a L'epoque. Des Crois-ases Paris, 1940*).

۹ جهت کسب اطلاعات بیشتر در مورد شاهنامه‌ی قرچغای خان دوم رجوع شود به: حسینی، مهدی (۱۳۹۰)، شاهنامه‌ی قرچغای خان (شاهنامه‌ی وینزر)، نشریه‌ی هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره‌ی ۴۵، صص ۲۱-۱۳، تهران، بهار ۱۳۹۰، دانشگاه تهران.

فهرست منابع

آزند، یعقوب (۱۳۸۵)، مکتب نگارگری اصفهان، فرهنگستان هنر، تهران.
اعلم، هوشنگ (۱۳۸۳)، الحشایش «نسخه‌ی کاخ گلستان»، انتشارات تصویر
نسخ خطی موزه ملی تاریخ علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
سعیدی، مهدی (۱۳۷۸)، تاریخ شهری مشهد، انتشارات جم، تهران.
شاملو، ولی‌قلی (۱۳۷۱)، قصص الخاقانی، ترجمه‌ی حسن سادات نصیری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
عرفانیان، غلامعلی (۱۳۷۰)، فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی، جلد نوزدهم، کتابخانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد.
مدرسی طباطبائی، سعید حسین (۱۳۵۵)، تربت پاکان، چاپخانه‌ی مهر، قم.
ملا جلال الدین منجم (۱۳۶۶)، تاریخ عباسی، ترجمه‌ی سیف الله وحیدنیا، انتشارات وحید، تهران.
منشی، اسکندر بیک (۱۳۵۰)، تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، امیرکبیر، تهران.

Babaie, Sussan, Kathryn Babayan, Ina Baghdiantz-McCabe